

مانی سپهری: این‌روزها در زمینه داستان ترجمه، یک رمان و یک مجموعه داستان از «اورهان پاموک» و «یاشار کمال»– نویسدگان مشهور و صاحب‌نام ترکیه– منتشر شده است. دو اثر داستانی از دو نویسنده که کارهای هر کدامشان حال‌وهوایی متفاوت با دیگری دارد و هر کدام نماینده جنبه‌ای از ادبیات داستانی ترکیه هستند. این دو کتاب، یکی از طرف انتشارات زاوش و دیگری از طرف انتشارات گیسما منتشر شده‌اند. در ادامه به معرفی و مروری بر این دو اثر داستانی خواهیم پرداخت.

شمس را چه کسی کشت

کتاب سیاه
ارهان پاموک
مترجم: عین‌اله غریب
ناشر: زاوش
چاپ اول: ۱۳۹۲

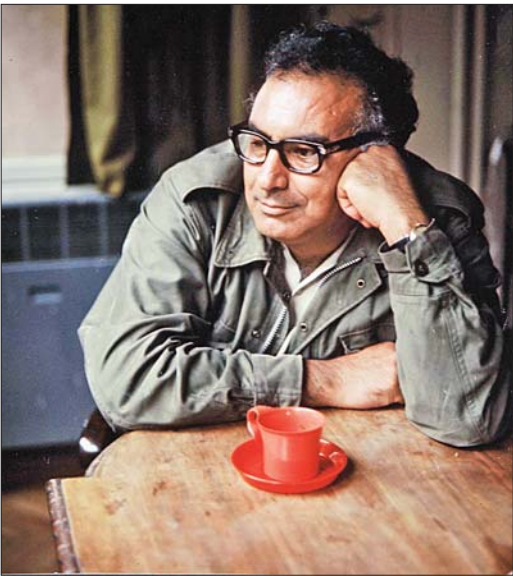
پس از رمان «نام من سرخ»، که چندسال پیش برای اولین‌بار در ایران با ترجمه «عین‌اله غریب» منتشر شد، این‌روزها رمان دیگری از «پاموک» نیز با ترجمه همین مترجم از طرف انتشارات زاوش به‌چاپ رسیده است. رمان «کتاب سیاه» که ترجمه فارسی آن در حالی منتشر شده که چندی پیش ترجمه‌ای دیگر از رمان «نام من سرخ» و همچنین ترجمه اثر اوتیوگرافیک استانبول از این نویسنده برنده جایزه نوبل به‌چاپ رسیده بود. کتاب سیاه، رمانی است که همان‌طور که در مقدمه ترجمه فارسی آن آمده، ترجمه آن به زبان فرانسه بالاترین جایزه ادبی فرانسه را برای اورهان پاموک به ارمان آورد. ضمن اینکه ساختمدن فیلمی با عنوان «چهره پنهان» بر اساس این رمان عنوان بهترین فیلم اقتباسی جشنواره آنتالیای ترکیه را از این فیلم کرد. کتاب سیاه، رمانی است ۶۵۰صفحه‌ای، شامل دوقسمت که قسمت اول آن از ۱۹فصل و قسمت دومش از ۱۷فصل تشکیل شده است. کتاب سیاه نیز مانند نام من سرخ و البته به‌گونه‌ای متفاوت، از یک‌سو پیوندی عمیق با ادبیات شرق دارد و از سوی دیگر ریشه‌دار در سنت رمان‌نویسی اروپایی است که اشراف اورهان پاموک بر این هنر دو ریزند است و البته بر تمایلی آنها باید تأثیر بورخس را افزود که او خود استاد به‌کارگیری شیوه‌های روایتگری شرقی بود. از جمله نشانه‌های تأثیرپذیری پاموک را از فرهنگ و ادبیات شرق می‌توان در فصل سوم از قسمت دوم کتاب سیاه با عنوان «شمس را چه کسی کشت» پیدا کرد. بر پیشانی این فصل دو بیت از مولانا آمده است. در این فصل، غالب– شخصیت رمان– را در حال خواندن نوشته‌های جلال می‌بینیم. در بین این نوشته‌ها، نوشته‌هایی هم هست درباره مولانا؛ «غالب خوب می‌دانست که دلایل دلپستگی جلال به این شاعر صوفی‌مسلك تمام‌عیار نه آن اشعار نغز عرفانی است که به قرن سیزدهم در شهر قونیه به زبان فارسی سروده شده، نه آن فضایل اخلاقی که در کتاب‌های درسی همه ادوار که هر تشریح و تفسیری از آنها که به هر طریق و دلیل ممکن



در نهایت به گفته و کرده‌ای از این آدم منتهی می‌شد، از طرفی او کاملاً آگاه بود که جلال نه هرگز به تک‌توک بیثنی از این اشعار روی خوشی نشان می‌دهد که آذین همه کتاب‌های همه نویسندگان این مرز و بوم است نه به آن خروار خروار عکس و کارت‌پستالی که از آن گفته‌ها و کرده‌ها در هیئت شعبده‌بازی‌هایی پابرهنه و خرقه‌پوش در هیئتی از معرکه به خورد تورست‌جماعت داده می‌شود، از طرفی حجم نوشته‌های جلال از مولانا هم در حدی نبود که غالب به این نتیجه غیرخوشبینانه برسد که جلال جز استفاده و بیضا سوءاستفاده از این آدم و طریقت عرفانی‌اش که بعد مرگش در اقصی نقاط جهان شایع شد– که این روال شیوه معمول برخورد هر روزنامه‌نگاری چون جلال با هر شاعر بنامی چون مولانا بوده و هست– هیچ نوع رابطه‌ای نداشته با آن. چیزی که جلال را چنین دلپسته و حتی وابسته مولانا می‌کرد روابط متقابل این آدم با آدمیان بود و از آن هم مهم‌تر نوع و نحوه تأثیرپذیری آثار این آدم از این روابط. کتاب سیاه را نشر زاوش در ۱۵۰۰ نسخه منتشر کرده است. قیمت این کتاب ۳۰ هزار تومان است.

داستان‌هایی مستند از کودکان خیابانی
سربازان خدا
یاشار کمال
مترجم: عین‌اله غریب
ناشر: گیسما
چاپ اول: ۱۳۹۲

یاشار کمال، برای مخاطب فارسی‌زبان اهل ادبیات، نویسنده‌ای است نام‌آشنا؛ نویسنده‌ای قدیمی‌تر از اورهان پاموک و با سبک و سیاقی متفاوت با او. یاشار کمال، نویسنده‌ای است رئالیست که تاکنون آثار مختلفی از او به فارسی ترجمه شده و این‌روزها نیز مجموعه داستانی از او با عنوان «سربازان خدا» با ترجمه عین‌اله غریب به‌چاپ رسیده است. سربازان خدا شامل هشت داستان است. یاشار کمال خود درباره این هشت داستان گفته است: «تمامی هشت داستان این کتاب– اگر بشود داستان نامیدشان– بر اساس مصاحبه‌های حضوری و مستند شخص نگارنده شکل گرفته‌اند که بر این اساس همه شخصیت‌ها و موقعیت‌ها واقعی هستند.» سربازان خدا درباره کودکان خیابانی است و همان‌طور که در مقدمه‌ای که در ترجمه فارسی کتاب به‌نقل از ناشر آثار یاشار کمال آمده، حاصل مصاحبه‌های نویسنده با کودکانی است که «هر کدام به‌دلائی خاص مجبور شده‌اند دور از هر خانه و کاشانه‌ای در کنج پارک‌ها و زیر پل‌ها و لابه‌لای صخره‌های موج‌شکن مسکین کرده و برای گذران ساده‌ترین امورات زندگی روزمره با دشواری‌ترین مسایل و مصایب ممکن مواجه شوند؛ مسایل و مصایبی که یاشار کمال در این اثر به ساده‌ترین شکل ممکن از زبان خود این کودکان به چندوچون آنها می‌پردازد.» عنوان‌های هشت داستان این مجموعه عبارتند از: «پایه‌به‌پایه»، «کاش کی زرافه رو زنن»، «شبی که هوا بدجوری شرعی بود»، «شبیه قدیر که شاگرد آهنگری بود بوده»، «سربازهای خدا همه‌چیزشون با بقیه



فرق می‌کنه»، «سر بریده»، «انگار پرند می‌بارد این روزا از آسمون» و «ایه تیکه آهن آیدیده». اینک قسمتی از داستان «شبی که هوا بدجوری شرعی بود» از این مجموعه: «از صدای سایش چمن‌ها که از رو گفشای چرمی و پاچه شلوار جینم بلند می‌شد، جیرجیرک و شب‌پره بود که به چپ‌وراست جست می‌زدن و تو چشم‌به‌هم‌زدنی ناپدید می‌شدن. از جلو تیر چراغ‌برق که رد می‌شدم یهو به فخانن از بالای سرم تیر کشید و حسایی ترسوند، به سمت مرکز پارک که پشت ساحل بود سرازیر شدم، یهو باد قطع شد و شرعی هوا قوت گرفت انگار کسی ایس بزنه سروصورت آدرو، مرکز پارک که ارتفاعش از همه‌جای اون پایین‌تره، هم سروصداش کمتر بود هم روشنابیش. جلوتر زیر به بید مجنون نوری خورد به چشمم که اول فکر کردم کرم شب‌تابه ولی دقیق که شدم دیدم بیشتر شبیه آتیش سیگار تا کرم شب‌تاب برا اینکه هی قوت و ضعف می‌گرفت و سوسو می‌زد، صدای بلند و کشیده هواپیمایی که داشت می‌نشست تو فرودگاه پیش لوی قطع که شد، احساس کردم صدای پیچ‌پیچ می‌شوم. هنوز خیلی جلوتر نرفته بودم که دیدم بله، صدا صدای پیچ‌پیچه و نور نور سیگار. یه دومت‌ری جلو رفتم و گفتم: «سلام». هفت هشت تا سایه بدقواره وول خوردن رو هم ولی هیچ صدایی ازشون بلند نشد برا همین دوباره و این‌بار کمی بلندتر گفتم: «سلام». این‌بار همه‌شون بلند شدن ولی یازم جوابی ندادن. دیگه واضح می‌شد دیدنشون…» از همین سطرها می‌توان دریافت که مستندنگاری یاشار کمال، از نقطه‌های کور و تاریک شهر و زندگی کودکان خیابانی، صرفاً گزارشی روزنامه‌ای نیست و یاشار کمال، قدرت ادبی‌اش را در فضاسازی و دیگر عناصر داستانی در این قصه‌ها به رخ کشیده است. گرچه خود در همان نوشته آغاز کتاب می‌گوید مطمئن نیست که بتوان اینها را داستان نامید. فضاسازی‌های یاشار کمال در این مجموعه، هنرمندانه است و او به‌خوبی توانسته از طریق فضاسازی و دیالوگ، موقعیت را ترسیم کند؛ موقعیت کودکانی که صдаهای خاموش و طردشده شهر هستند و نویسنده با ادبیاتی که براساس حقیقت زندگی آنها خلق کرده، این صدای خاموش را احضار کرده و به گوش خوانندگان رسانده است. شاید چکیده نگاه یاشار کمال را در این مجموعه بتوان در عباراتی از قصه «سربازی خدا همه‌چیزشون با بقیه فرق می‌کنه» یافت. همان عباراتی که از زبان یکی از شخصیت‌ها نقل می‌شود و به‌منزله عکسی دسته‌جمعی از همه کودکان بی‌جا و مکانی است که در سراسر کتاب پرکنده‌اند. همان عباراتی که در پشت جلد ترجمه فارسی هم شاید به‌عنوان سرشت‌نمای مجموعه داستان سربازهای خدا چاپ شده است: «عجیبه نه؟ ما همدیگرو می‌شناسیم. همه بچه‌های دربرهرد همدیگرو می‌شناسن. از برق تو چشمنامون، از رنگ‌وروی چهره‌هامون، از صدامون، از بوهامون… چه می‌دونم، ما با همه فرق داریم. ما‌ها به‌جور دیگه‌ایم. ما.. ما سربازان خداییم. سربازای خدا به‌جور دیگن، به‌جور دیگه» و بعد راوی می‌گوید: «از این اصطلاح «سربازان خدا» خوشش اومده بود و مدام تکرارش می‌کرد. معلوم بود که همون لحظه و فی‌البدايه اومده بود تو ذهنش اما اول کنش نبود و خیلی حال می‌کرد از تکرارش.» مجموعه داستان سربازان خدا را انتشارات گیسما در تعداد ۱۰۰۰ نسخه و با قیمت ۱۲ هزار تومان منتشر کرده است.

*** عنوان برگرفته از نام نمایشنامه یوجین اوینل**

کتاب‌های شناخته شده دنیا وجود داشته است. بدون شک زندگی شخصی و احوال نویسندگان و چگونگی خلق آثار بزرگ دنیا برای هر دوستدار ادبیات، موضوعی هیجان‌انگیز و جذاب است؛ به‌خصوص زمانی که خیلی از آنها را بشناسید یا دربارشان مسایل ضدونقیضی شنیده‌باشید. رابیندرا کیشیند در این کتاب همه تلاش‌اش را کرده است تا دوروبر زندگی و خانواده همه این نویسندگان پرسه یزند و گوش بخواباند و شنیده‌ها و ناگفته‌ها را از طریق این کتاب به گوش دنیا برساند. به‌عنوان نمونه، در یکجا درباره رمان «بودنیروکا» نوشته توماس مان به این مساله می‌پردازد که در سال‌های اول پس از انتشار این رمان، شایعاتی در لوکب آلمان بر سر زبان‌ها افتاد و خیلی‌ها می‌گفتند که شخصیت‌های داستان بقدری آشنایند که گویی از شخصیت‌های واقعی لوکب برگرفته شده‌اند. این شایعه آنقدر ادما پیه کرد که سرانجام یکی از عموهای توماس مان در اعلامیه‌ای این موضوع را تأیید کرد و نوشت: «هر انسان باتصافی، این کار را که نویسنده بودنیروکا‌ها با شیوای تمسخرآمیز، خوشنودندان نزدیک خود را بدنام و داستان زندگی آنها را افشا می‌کند، سرزنش می‌کند. پرندهای ترجم‌انگیز که البته خود را به کثافت می‌کشند» کتاب را نشر ثالث در ۶۶۰ صفحه منتشر کرده است.

دو مرد از بروکسل
نام اریک امانوئل اشمیت دیگر آنقدر برای کتابخوان‌های فارسی‌زبان آشناست که ناشر این کتاب نیز نام او را بالاتر از عنوان کتاب آورده است. امانوئل اشمیت در قصه‌گویی، معمایابی و به تصویر کشیدن ظرایف و نیچیدگی‌های زندگی زناشویی بسیار متبحر است. بیشتر به پزشک و روانشناسی شبیه است که یک عمر در خلق‌وخو، بیماری‌ها و تنش‌های خانوادگی غور کرده و حالا دارد تجربیات خود را چیره‌دستانه و خلاقانه روی کاغذ می‌آورد. «دو مرد از بروکسل» نام یکی از پنج داستان این کتاب است که در گوشه‌وگوش آن می‌توانید دغدغه‌های انسان امروز را دنبال کنید. انسان‌هایی غالباً تنها که تصور می‌کنند از اعتماد به نفس و قدرت فوق‌العادای برخوردارند اما در رویارویی با جزئیاتی به‌ظاهر ناچیز شکندگی خود را نشان می‌دهند. امانوئل اشمیت از بحران‌های فردی و خانوادگی و مناسبات اجتماعی انسان سخن گفته و داستان‌هایش مثل همیشه روان و عاری از اغراق و پیچیدگی است. این کتاب ۲۰۸ صفحه‌ای با ترجمه سناز سهرابی در نشر افراز منتشر شده است.

مرور

یک دقیقه مانده به آخر

«مترو جای خوبی برای رقص و خواب نبود»، گزینۀ اشعار کیوان نریمانی است که شامل شعرهای سال‌های ۸۴ تا ۸۷ نریمانی است. ۵۹ شعری که در این مجموعه آمده همگی بی‌نام‌اند و در قالب سسید سروده شده‌اند. همان‌طور که از عنوان کتاب هم برمی‌آید، نگاه به زندگی شهری و معضلات و مسایل آن، از جمله ویژگی‌های شعرهای این مجموعه است. پیش از این مجموعه شعری با نام «هجرائی» از کیوان نریمانی منتشر شده بود. در یکی از شعرهای این مجموعه می‌خوانیم: «بدون کاغذ خطدار/ بدون قرار قبلی/ غریب‌تر از آنکه اورژانس ببردش/ روی پل/ زیر بیلپورد/ بارانی‌ات بر دوش/ جا گذاشت‌های مسیرها ادکلن و آکارلدشون/ استغفرش رنگی را قهوه می‌نوشد، برگ می‌کشد، به کیوت‌رها دانه می‌پاشد/ او تندیس برنزی اسب سوار پبروز را می‌ایستد/ تیزه در کشاله کشتی‌های ادویه و باروت می‌افکند…»

مترو جای خوبی برای رقص و خواب نبود
کیوان نریمانی
ناشر: نیلوفر
چاپ اول: ۱۳۹۲
قیمت: ۶۵۰۰ تومان

این شهر هم آسمان دارد

«نامهان در هوا سرگردان است»، مجموعه شعری از عادل بیابانگرد است که ۴۳ شعر مربوط به سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ را در بر می‌گیرد. این مجموعه شامل دو دفتر با نام‌های «از این ساحل سیاه که منم» و «بگذار باران ببارد» است و فراموشی و انتظار از جمله مضامینی‌اند که در شعرها دیده می‌شود: «چرا شکایا نباشم من/اگر که انتظار نام دیگر نوست/ با این بنده یی تابی/ که بالای سرم است/ سرگردان است/ آیا س‌رود ممکن این روزهاست/شکایایی؟».

نام‌مان در هوا سرگردان است
عادل بیابانگرد جوان
ناشر: نیلوفر
چاپ اول: ۱۳۹۲
قیمت: ۴۵۰۰ تومان

تمام دامنه‌ها را آورده بود

«طغیان دور» عنوان مجموعه شعری است از پریمه اعوانی که از طرف نشر گوشه منتشر شده است. از پریمه اعوانی پیش از این نیز کتاب پرسه‌های متلاشی منتشر شده است. طغیان دور شامل چهار دفتر شعر با عنوان‌های چهارهام (۲۲ شعر)، زوال هام (مفاصل زنبل و ماضی) (۱۱ شعر)، گورخای اندکم (گاز‌هایابی از غرق) (۱۰ شعر) و شمایل دورهام (مبهوت هار) (۱۱ شعر) است. در شعرهای این مجموعه، اغلب شاهد رفتارهای نامتعارف و آشنایی‌زاده‌یه باز نحو زبان هستنیم بی‌اینکه این رفتارهای نامتعارف شعرهای کتاب را به بازی‌های زبانی صرف تقلیل دهند. نوحشکنی در شعرهای این کتاب بنحوی نیست که در همان نگاه اول، به چشم بیاید و توی ذوق خواننده یزند که این را می‌توان از نقاط قوت مجموعه طغیان دور به شمار آورد.

طغیان دور
پریمه اعوانی
ناشر: نشر گوشه
قیمت: ۵۸۰۰ تومان

یادداشتی بر «برف تا کمر در تاریکی نشست» حسن همایون شب و روز لابه‌لای نوشته‌هایم می‌آیند
سیما داد

کشمکش، درنمایه مسلط شعرهای حسن همایون است که در تمام عناصر مجموعه از عنوان کتاب، تا تصاویر و بازی‌های زبانی جریان دارد و موجب پوییدگی و حرکت آن (دینامیسم) می‌شود. دو تصویر «برف» و «تاریکی» در عنوان کتاب از همان ابتدا فضایی از ستیز درونی به خواننده منتقل می‌کند که با عناوین دو بخش این مجموعه یعنی «علیه تهران» و «اعتراف‌ها» مصداق بیرونی و عینی می‌یابد تا هر دو ستیز را نه در فضای ذهنی محض بلکه در پس‌زمینه شرایط اجتماعی – تاریخی تصویر کند. این حساسیت بیرونی اما به‌جای آنکه موجب واکنشی عملی شود به نوعی تسلیم درونگرایانه می‌انجامد که البته در عین بی‌عملی سرشار از انرژی است و موجب برانگیختگی در خواننده می‌شود و این هم به سبب تصاویر این تسلیم ناگزیر است و هم به سبب شرایطی که این تسلیم ناگزیر را پدید می‌آورد. در حالی که دو تصویر کاملاً متضاد سفیدی (برف) و سیاهی (تاریکی) در عنوان مجموعه ما را به صحنه پرتلاطم ذهن شاعر می‌کشاند، عنوان شعر آگونه «علیه» و «تهران» دامنه این تلاطم را به ساحت زندگی عینی و برگرفته از آن تسری می‌دهد و با انتخاب عنوان ابهامی «اعتراف» برای بخش دوم مجموعه، این دو ساحت با یکدیگر پیوند می‌یابد. بر همین منوال، دغدغه شاعر در شعر «بندرگاه» در تصویر دوبله زن و وطن تجلی می‌یابد تا از یکسو ناوانی او را در برابر غارت (تجاوز) به ناموس و اضمحلال هستی آن تصویر کند؛ آنجا که می‌گوید: «از آندوه سر بر سینشاین می‌گذار/ شاه‌هایش می‌لرزند و چاه‌های دیگری خفر می‌شوند/ دلگشنگ می‌می‌شود، به قایق‌های موتوری که قاچاق می‌کنند/ به چاه‌هایی که می‌سوزند، به موج‌هایی که می‌روند برنگرند/ به یو ویرانه‌های بنشر مانده از زمان جنگ/ به خیلی چیزهای دیگر فکر می‌کنند و از سوی دیگر رشته ناگستنی بین او و سرزمین مادری را به درناک‌ترین وجه خود در مچ‌های بریده در سر انگشتان زن (بندر) به تصویر بکشند. تضاد در تصاویر دیگری چون قافله خنده و آب‌های آزاد جهان و ماهی قزل‌آلا که همه احساس سرخوشی است در برابر وحشت و آندوه و بی‌حرفی ضمیر خودآگاه گوینده قرار می‌گیرند و به‌ناگاه حفره‌ای که بین آنچه باید باشد (آرزو) و آنچه وجود دارد (واقعیت اکنون و اینجا) نهان می‌می‌گشاید. بی‌دلیل نیست که فضاهای بسته مانند حفره، مشیت و تاریکی بسیار بسامد بالایی در این اشعار دارد. همچنین در شعر «برای آن دختر شاعری که دور از سرزمین من است» درگیری گوینده در برزخ واقعیت و آرزوها در تناقض میان نفس تنهایی آپارتمانش که چون حفره‌ای او را در خود می‌بلعد و تخیلی بر گشوده تا آن سوی جهان گرفتار

برف تا کمر در تاریکی نشست
حسن همایون
ناشر: مروارید
چاپ اول: ۱۳۹۲

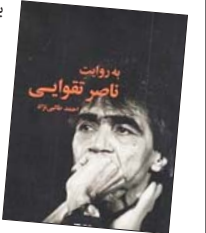
است. فرودگاه که در منظر نگاهش نیست،ه درواقع پلی میان این دو جهان برقرار می‌کند. اما جای این سوال می‌ماند که چطور «فرودگاه» می‌تواند نوبد روزار دهد؟! به لحاظ بانی، خلاقیت شاعرانه از ابتکار در حوزه زبان و تصویرگری مایه می‌گیرد. در شعر (دلگشنگ) با پارس می‌کنم – که من خیلی خوشم آمد- شاعر با قلقلک‌دادن عبارت‌ها و آرنگاه‌های آشنا عملاً خواننده را بر آن می‌دارد تا صدای دلگشگ‌اش را در همین آشنایی‌زاده‌یابی در استفاده‌های دوبهلو از کلمات بشنود: «از سوراخ چشم بیرون می‌زنم- از خواب تو بیرون بپزد سرم، پای‌های می‌کنم پای تخت را- دست به دست می‌شوم در خواب اشتبه مردمان شهر…» به همین خاطر این شعر به‌سختی ترجمه‌پذیر است. در همین شعر آنجا که شاعر می‌گوید: «شهری که شاعرشدن به‌راحتی ضرب سکه نیست/ شهری که شاعرشدن به‌ضرب سکه هست» از این تکرار شاعر دو مفهوم مرآد می‌کند. یکی به مفهوم رسیدن به حساسیتی که به شاعر امکان ارتباط با جان جهان را می‌دهد. اما دومی به مفهوم نظم‌سرای است که با صله و در مدح صله‌دهندگان شعر تولید می‌کنند.

شعر «سپیدارها – سپیدارها با بیانی استعاری شعری به‌شدت اعتراضی است در بیان اینکه مادر – وطن در عبورش از تاریخ به خون می‌نشیند. اما در مواردی زبان شعر به‌شدت غیرقابل دسترس است. آشکار است که شاعر برای پنهان کردن واکنش‌های عاطفی و حسی‌اش به فضای اجتماعی به‌ناگزیر گاه به حد افراط از استعاره، نماد و زبان کنایی استفاده می‌کند. مثلاً در شعر «پیشانی مردها سال‌هاست در فکر غرق‌شده» تغییر و تبدیل‌های هویت گوینده و فضای شعر به نوعی گسستگی می‌انجامد. در حالی که تا پیش از بند آخر آرای که در قالب انسان اما در فضایی فلسفی سخن می‌گوید به یک‌باره در دو سطر آخر به انسانی عادی سقوط می‌کند و فضای شعر به عینیت زندگی روزمره تغییر می‌کند. همین اتفاق کمی‌بیش در شعر «شب‌های تا شده لای پیراهنم» رخ می‌دهد زیرا هویت‌ها تعما مات و درهم هستند. در بند اول ضمیر خودآگاه گوینده و تاریکی یکی است و کلمه‌ها ز زبان پیراهنی است که این تاریکی را در خود جا داده است. اما در بند آخر و مخصوصاً سطر آخر این دو جله‌جام می‌شوند و گوینده این‌بار گویی همان تاریکی درون پیراهن باشد. اما در این شعر بازی با زبان آن آیهام را به مزیتی برای شعر بدل می‌کند. اینکه جمله آخر تمام می‌شود، فضایی برای خواننده باز می‌کند تا یا از منظر پیراهن آن را تمام کند (می‌برد) یا از منظر ضمیر خودآگاه گوینده (می‌رود) و این یکی از نقاط قوت شعر است. اتفاق هویت انسانی به شبوروز و بیان کشمکش گوینده در گذران ایام با تصویر آملوشد شبوروز لحظه برجسته‌ای در زبان برای ادراک زمان خلق می‌کند. چنانچه می‌گوید: «شب و روز در هم می‌روند می‌لولند می‌خندند/ شب و روز حرف می‌روند به راه می‌روند به پای هم می‌پیچند/ شب و روز لابه‌لای نوشته‌هایم می‌آیند و می‌روند/ اخم می‌شوم بر شیشه میز تحریر/ خیره به چهارم در تاریکی عمیقی که تا گلو در آن فروم…»

*** دکترای ادبیات تطبیقی در آمریکا**

عطف کتاب
انقلاب بردگان
«جزیره زیر دریا»، نوشته ایزابیل آلدنه، از رمان‌هایی است که اسمال از طرف نشر گل آذین منتشر شده است. این رمان را زاهرآ رهبانی از متن اسپانیایی ترجمه کرده است. ایزابل آلدنه در ایران نویسنده شناخته شده‌ای است و تاکنون آثار بسیاری از او به فارسی ترجمه و منتشر شده است. آلدنه در رمان جزیره زیر دریا به اعماق تاریخ سفر کرده است و همچون آنجو کارلیتانه در رمان قلعمرو از عالم، به قیام بردگان پرداخته است. چنان‌که در توضیح پشت جلد ترجمه فارسی این رمان می‌خوانیم: «جزیره زیر دریا خوانندگان را به ۲۰۰ سال قبل باز می‌گرداند؛ زمانی که قیام بردگان منجر به تولد یاهیتی، نخستین رئیس‌جمهور مستقل سیاهان شد»

جزیره زیر دریا/ ایزابل آلدنه / مترجم: زهر اربانی / ناشر: گل آذین/ چاپ اول: ۱۳۹۲



بود. می‌نوشت و بایگانی می‌کرد. درس می‌داد و ارتزاق می‌کرد. اما او عاشق فیلمسازی است. درست حکم خواننده‌ای را داشت که صدایش در گلو حبس